

طرح یک پرسش در خصوص شکوائیه فعالان عرصه موسیقی

دو هزار موزیسین از وزیران و وکیلان چه می خواهند؟



لیلا موسی زاده

هفته گذشته شاهد اجماع عمومی موزیسین ها در اقدامی صنفی و در اعتراض به قانون اخذ ۱۰ درصد از درآمد بلیت فروشی کنسرت ها در کلان شهرها بودیم که البته در ضمن آن به تغییرات مدیریت دفتر موسیقی نیز پرداخته شده بود.

این حرکت اعتراضی که با ارسال شکوائیه جمعی آن ها به رسانه ها

همراه شده، بیش از دو هزار امضای معتبر در ذیل نامه بر خود دارد تا پیرو گشودن شکوه و اعتراض اهالی موسیقی، خواسته هایی به منظور کاستن از فشار و قایل فعالیت ساختن فضای کاری موزیسین ها را مطرح کند. خواسته هایی که موزیسین ها در این اقدام صنفی مطرح کرده اند آن قدر مهم بوده که آن ها را وادار به خطاب قرار دادن وزیران دولت و وکیلان مجلس کرده تا از اشخاص دقیقاً مرتبط با موضوع شکوائیه

استمداد کرده باشند. از این رو شعری از عارف قزوینی مطلع این نامه است و افراد صاحب نامی چون حسین علیزاده، رافائل میناسکانیان، علی اکبر شکارچی، ساسان فاطمی، فردین خلعتبری، حمید متبسم، ابراهیم لطفی، مهدی آذرسینا، فریدون شهبازیان، مسعود شعاری، کیوان ساکت و آروین صداقت کیش در این حرکت صنفی -اعتراضی حضور دارند.

به طور کلی می توان در چند

دسته این خواسته های صنفی را طبقه بندی کرد که جان کلام موضوع شکوائیه را تشکیل می دهد و به عنوان راه های پیشگیری از گسست کامل ارتباط هنرمندان با دولت است که به زودی نیز موسوم انتخابات فرامی رسد و می بایست هر عاقلی بدان توجه نماید:
۱. لغو طرح اخذ ۱۰ درصد از درآمد بلیت فروشی کنسرت ها با کمک نمایندگان مجلس که اتفاقاً اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس

از ابتدا با آن مخالف بوده و آن را کارشناسی نشده می دانند.

۲.دعوت وزیر ارشاد به اندیشیدن درباره عواقب عملکرد نامهربانانه خویش با موزیسین ها و بازگشت به راه سربلندی وزارتخانه در عدم ستیزه با هنرمندان به واسطه عزل پیشنهاد دهندگان طرح اخذ ۱۰ درصد.

۳.عذرخواهی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از موزیسین ها و جامعه هنری بابت این طرح دست اندازانه بر جیب موزیسین ها که خلاف نظر رئیس جمهور محترم در تسهیل فعالیت هنرمندان است.

۴. پایان بخشیدن به دخالت های امنیتی در حوزه موسیقی در طی این چهل سال که اتفاقاً از مواردی بود که دولت در بدو انتخابات بر آن تاکید زیادی داشت.

۵. خاتمه دادن به تحمیل فشار بر کارگزاران مورد وثوق جامعه ی هنری که گوشه اشاره ی نیز به عزل و جایگزینی شبانه و ناپتگام مدیر

اسبق دفتر موسیقی دارد.

حالا با این نامه و خواسته ها که رسماً و صراحتاً اعلام شده است و همچنین شماری از موزیسین های صاحب نام آن را امضا کرده اند لازم است که وزارت ارشاد درایت خود را در نحوه تعامل و عملکرد متقابل با موزیسین ها به اثبات برساند و نگرانی های آن ها را مرتفع نماید. در حقیقت اکنون زمان عمل برای وزارت ارشاد است تا یک باره شاهد افزایش

لغو طرح اخذ ۱۰ درصد از درآمد بلیت فروشی کنسرت ها، دعوت وزیر ارشاد به اندیشیدن در باره عواقب عملکرد نامهربانانه خویش با موزیسین ها، پایان بخشیدن به دخالت های امنیتی در حوزه موسیقی و خاتمه دادن به تحمیل فشار بر کارگزاران مورد وثوق جامعه هنری از جمله موارد مندرج در شکوائیه موزیسین هاست

آن ها در حمایت از دولت و وزیر ارشاد باشد و یا در خلاف این موضوع بکوشد و بر مخالفت ها بدمد تا ریزش حماسات هنرمندان از دولت بیشتر و بیشتر گردد. در حقیقت اکنون گوی و میدان در اختیار وزارتخانه فرهنگ و ارشاد است تا با حسن نیتی که از خود نشان خواهد داد مسئله را به نفع هر دو طرف (دولت و موزیسین ها) حل نماید و از ساختن چهره هنرمند ستیز برای دولت تدبیر و امید بپرهیزد. ضمن آنکه نمایندگان مجلس نیز می بایست با استناد به این حرکت عظیم صنفی - اعتراضی در سال سخت وضعیت معیشت در کنسار هنرمندان باشند و با قنید فوریت خط بطلان بر قوانین هنر و هنرمندستیزانه بکشند.

ار کستر در سطوح مختلف داشته باشد. اما باید ببذیریم با امکانات امروزه وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی جایی برای این ار کستر وجود ندارد. این ار کستر از طریق محبوبیت خواننده ها امورات خود را می گذراند. این خواننده ها بقدری خوب و محبوب هستند که در هر جایی کنسرت بدهند مخاطبان خود را خواهند داشت.»

کیوان فرین نیز درباره انحلال ار کستر ملی چنین می گوید: «حدود سال ۹۲ یا ۹۴ بود که آقای علی رهبری هم این ایده را مطرح کرد که بازتاب گسترده ای داشت ولی نهایتاً هم عملی نشد. من در آن زمان در مجله فرهنگ و آهنگ با آقایان «بردیا کیارس» و «فرهاد فخرالدینی» به عنوان رهبران سابق این ار کستر صحبت داشتم که همان زمان هم منتشر شد. در طول آن جلسات مشخص شد که اکثریت نوازندگان ار کستر ملی متأسفانه شناخت بالایی از موسیقی ایرانی ندارند و حتی برخی از ایشان این نوع موسیقی، موسیقی مورد علاقه شان نیست اما صرفاً به واسطه اینکه این ار کستر به نوعی برایشان ایجاد شغل کرده است در این ار کستر هستند. در آن جلسات گفته شد که برخی نوازندگان در اجرای در دست فواصل ایرانی مشکل دارند و یا در بهترین حالت هم اکثراً مسلط به ظرایف موسیقی ایرانی نیستند. مثلاً من فکر نمی کنم ششمار در رپرتوار اجرایی ار کستر ملی به راحتی قطعه ای در دستگاه سه گاه پیدا کنید چرا؟ چون به قول آقای فخرالدینی «سه گاه اصلاً تأمیر به پذیر نیست.» من به واسطه همین مسائل معتقدم که اگر قرار است در بر همان پاشنه بچرخد واقعاً نیازی به ار کستر ملی نداریم. رار کستر سمفونیک هم می تواند از عهده تمام وظایف ار کستر ملی به خوبی برآید. در اجرای های خاص هم می توان مثلاً از نوازندگان سازهای ایرانی یا محلی به صورت میهمان دعوت به عمل آورد. مگر تا به امروز ار کستر سمفونیک قطعه نی نوا اثر «حسین علیزاده» را چندین بار با دعوت از نوازندگان نی میهمان اجرا نکرده؟»



اعتبار و عناوین اشخاص سر پا بوده و حمایت ها عموماً از روی دوستی و رفاقت اعضای شوراها هنرمندی اثر خود را می آورد و آن را با ار کستر اجرایی کرد. چیزی که شمایه شدت تمایل دارید نام ار کستر ملی بر آن بگذارید اصلاً رپرتوار ندارد داشتن رپرتوار لازمه هر ار کستر و رهبری است. مگر ار کستر گلهان بود؟ اگر قرار است این ار کستر ادامه دهند، راه آن ار کستر باشد بهتر است مانند همان هم عمل کنند. هنرمندانی مثل مرحوم تجویدی آثار خود را با این ار کستر اجرایی کردند و می رفتند. جالب اینجاست که در همان زمان آقای شهبازیان نوازنده ویلن این ار کستر بود اما اعتقادی به فعالیت این ار کستر نداشت. از اول با تأسیس ار کستر ملی مخالف بودم. به نظر من بهترین کار انحلال کامل این ار کستر است. علت اصلی مخالفت من این است که اصولاً بنیاد رود کی جستجو برای جانشینی شهبازیان چنین تشریح می نماید: «در باره رهبر ار کستری می پرسید که من از اساس با موجودیت آن ار کستر مخالفم. چنین ار کستری نباید جایی در وزارت فرهنگ داشته باشد. با کسی عداوتی ندارم. چون نه کسی می تواند جای مرا تنگ کند و نه لزومی می بینم که جای فرد دیگری را تصاحب کنم. من برنامه فشرده کاری خود را دارم. مخالفت من به هیچ عنوان شخصی نیست. این ار کستر

یک ار کستر رادیویی بوده که روز های جمعه برنامه های سرگرم کننده پخش می کرد و هر هنرمندی اثر خود را می آورد و آن را با ار کستر اجرایی کرد. چیزی که شمایه شدت تمایل دارید نام ار کستر ملی بر آن بگذارید اصلاً رپرتوار ندارد داشتن رپرتوار لازمه هر ار کستر و رهبری است. مگر ار کستر گلهان بود؟ اگر قرار است این ار کستر ادامه دهند، راه آن ار کستر باشد بهتر است مانند همان هم عمل کنند. هنرمندانی مثل مرحوم تجویدی آثار خود را با این ار کستر اجرایی کردند و می رفتند. جالب اینجاست که در همان زمان آقای شهبازیان نوازنده ویلن این ار کستر بود اما اعتقادی به فعالیت این ار کستر نداشت. از اول با تأسیس ار کستر ملی مخالف بودم. به نظر من بهترین کار انحلال کامل این ار کستر است. علت اصلی مخالفت من این است که اصولاً بنیاد رود کی جستجو برای جانشینی شهبازیان چنین تشریح می نماید: «در باره رهبر ار کستری می پرسید که من از اساس با موجودیت آن ار کستر مخالفم. چنین ار کستری نباید جایی در وزارت فرهنگ داشته باشد. با کسی عداوتی ندارم. چون نه کسی می تواند جای مرا تنگ کند و نه لزومی می بینم که جای فرد دیگری را تصاحب کنم. من برنامه فشرده کاری خود را دارم. مخالفت من به هیچ عنوان شخصی نیست. این ار کستر

نوا

سهراب کاشف و ار کستر ملی



ار کستر ملی ایران در تازه ترین برنامه خود در حالی ۳۱ خرداد و ۱۴ تیر بارهبری سهراب کاشف و خوانندگی حسام الدین سراج در تالار وحدت روی صحنه می رود که فریدون شهبازیان از مدیریت هنری این ار کستر کنار رفته و این اولین برنامه ار کستر پس از کناره گیری شهبازیان خواهد بود. در این کنسرت قطعاتی چون شب عاشقان بیدل (آهنگساز همایون رحیمیان)، طلوع (آهنگساز همایون رحیمیان)، هزار دستان (آهنگساز مرتضی حنانه)، نشان بی نشان (آهنگساز همایون رحیمیان)، رقص دایره (آهنگساز حشمت سنجری)، دل آرا (آهنگساز همایون رحیمیان)، توحید (آهنگساز همایون رحیمیان)، و باد صبا (آهنگساز همایون رحیمیان) اجرا می شود. این دو کنسرت رأس ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت برگزار خواهد شد و بلیت های آن از ۴۵ تا ۱۰۰ هزار تومان قیمت گذاری شده و از طریق سایت ایران کنسرت به فروش می رسد.

■ ■ ■

کنسرت احسان خواجه امیری در نمایشگاه بین المللی



احسان خواجه امیری ۲۱ خرداد ماه سال جاری، در برج میلاد به دیدار هوادارانش خواهد رفت و با اجرای گلچینی از بهترین آثار خود، ششی خاطره انگیز را برای آنها رقم خواهد زد که از میان این قطعات می توان به «بی تفاوت»، «باید برگشت» اشاره کرد. کنسرت احسان خواجه امیری، طی دو سانس روی صحنه خواهد رفت و بهای بلیت های آن ۷۰، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۰ و ۱۸۵ هزار تومان برآورد شده است. کنسرت بهاری احسان خواجه امیری، رأس ساعت های ۱۹:۳۰ و ۲۲:۱۵ تا تاریخ ۲۱ خرداد ماه جاری، در سالن میلاد نمایشگاه بین المللی بر گزار می شود.

در گذر زمان

نخستین اذان ایرانی ضبط شده صدای ابوالحسن دماوندی است

اذان که در فرهنگ ایرانی اسلامی، یکی از گونه های مناجات به شمار می رود، در اواخر عهد قاجاریه، بر اساس الگوهای عربی اقامه می شد. بنا به اسناد و مدارک موجود می توان گفت اذان بر اساس موسیقی ایرانی برای اولین بار توسط محمد فلاحی معروف به دماوندی اقامه شده و پس از آن است که خوانندگان آواز ایرانی به اقامه نماز طبق دستگاه های ایرانی پرداخته اند و نام برخی از آنها در لیست ماندگاران این عرصه به ثبت رسیده است. می توان گفت یکی از دلایل مهم موفقیت خوانندگان آواز ایرانی در مقوله اذان، شناخت آنها از دستگاه ها و گوشه های موسیقی ایرانی است که در اقامه اذان کاربرد داشته است. بجز دماوندی، سیدحسین عبدالصغفاهانی (مؤذن مسجد سپهسالار)، حاج مؤذن تفرشی (پدر حسین قلی خان نکبسا که در عهد محمدعلی شاه، مؤذن مشهوری بود) و سیدعبدالر حیم اصفهانی (استاد دماوندی) برخی از اساتید گذشته آواز ایران هستند که به اقامه اذان در دستگاه های ایرانی پرداخته اند. اما در دوره قاجار و عصر مظفرالدین شاه است که صدای مؤذن برای نخستین بار ضبط می شود و به این ترتیب در تاریخ ایران به ثبت می رسد. آن شخص ابوالحسن اوست که برای اولین بار در سال ۱۲۹۱ شمسی در آواز بیت ترک روی گرامافون ضبط شده است. ابوالحسن دماوندی متولد سال ۱۲۴۶ با نسام اصلی محمد فلاحی، خواننده ردیف مجلسی و از منبر خوانان عصر ناصری بوده و تا اوائل دوره پهلوی دوم ادامه حیات داده و به سال ۱۳۵۲ در ۱۰۶ سالگی در فانی راوداع گفته است.